

# بی آمدهای قضایی

## کاپیتولاسیون

دکتر سید محمد طیبی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

### □ مقدمه

در تاریخ اسلام اقلیت‌های دینی تحت فرمان‌روایی حکومت‌های مسلمان- از جمله عیسویان- متمایل بودند تا مبتنی بر قوانین و مقررات دینی خود به فیصله‌ی اختلافات درون جمعیتی و قومیتی اقدام نمایند. دین مبین اسلام بر مبنای قاعده‌ی «الزموم بما الزموا» (ملتزم کنید آن‌ها را به قواعد و مقررات مورد التزام خودشان)، حل و فصل امور آن‌ها را منطبق بر قوانین و مقررات دینی و داخلی خودشان به رسمیت شناخته بود.<sup>۱</sup> با روی آوردن ممالک مسیحی به استعمار و ایجاد ضعف و عقب‌ماندگی در کشورهای اسلامی این ارفاق با تغییرات و اشکالی نوین تبدیل به حربه و ابزار خطرناکی در دست آنان شد، و منجر به انواع و اقسام دخالت‌های ناروا در درون ممالک یاد شده گردید.

به دنبال شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس و تحمیل قرارداد ترکمن‌چای در سال ۱۲۴۳ ق. ۱۸۲۸ م. طی مفاد و فصول هفتم و هشتم آن زمینه و رخنه‌ی دخالت قضایی استعمارگران با پیش‌گامی روسیه در ایران آغاز گردید. در فصل هفتم تصریح شده بود که اگر میان اتباع روس ساکن ایران در امور مدنی اختلافی رخ دهد بر طبق قوانین امپراتوری روسیه رسیدگی شود؛ اما چنان‌چه میان اتباع روس و ایرانیان منازعه و اختلافی صورت گیرد، پرونده به محاکم شرع یا عرف احاله می‌شود، به شرط آن‌که محاکمه باحضور نماینده یا نمایندگان دولت روسیه انجام پذیرد.<sup>۲</sup> در مفاد فصل یاد شده به صراحت دخالت و حضور نمایندگان و کنسول‌های دولت روس در دعاوی مدنی ایران پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است. در فصل هشتم آمده است که: اگر اتباع روسیه مرتکب جرم و جنایتی نسبت به اتباع ایران شوند، تا اثبات جرم به هیچ‌وجه قابل تعقیب و یا اذیت نیستند، هم‌چنین حکام و محاکم ایران تا زمان حضور نمایندگان دولت روس در محکمه حق محاکمه‌ی آن‌ها را ندارند. در نهایت چنان‌چه جرم ثابت گردید، مجرم به وکیل یا کنسول تحویل خواهد شد، تا جهت مجازات بر طبق قوانین روسیه به آن کشور فرستاده شود.<sup>۳</sup> فصل یاد

شده، استقلال و صلاحیت قضایی ایران را به هنگام رسیدگی به امور جزایی به‌طور کامل از بین برد و اختیار اجرای کیفرهای تعیین شده را به‌طور مطلق و انحصاری به مقامات روسی واگذار کرد. بدین ترتیب چنان‌چه یک تبه‌کار روس در روز روشن یکی از رجال ایران را به قتل می‌رساند و محکوم به اعدام می‌شود، دولت ایران حق اجرای کیفر قانونی نداشت؛ جنایت‌کار را به مقامات روسی تحویل می‌دادند، و آنان شخص محکوم را به‌ظاهر جهت اجرای حکم به روسیه اعزام می‌کردند. از آن‌جا که بسیاری از جنایات با زمینه‌سازی و اشاره‌ی کارگزاران روسی انجام می‌گرفت انتظار مجازات محکوم یا محکومان انتظاری بی‌پهوده و مضحک تلقی می‌شد. به‌طور مثال دو نفر گرجی تبعه‌ی روس مرتضی قلی خان هدایت (صنیع‌الدوله) وزیر مالیه و دارایی کابینه‌ی مستوفی‌الممالک را در بهمن ماه سال ۱۲۸۹ ق/ ۱۸۷۲ م. در چهار راه مخبرالدوله به تحریک سفارت روسیه به قتل رساندند. روس‌ها قاتلان را پس از محکومیت از دولت ایران تحویل گرفته و با انتقال به روسیه در آن‌جا آزادشان کردند.<sup>۴</sup>

متعاقب تحمیل کاپیتولاسیون توسط روس‌ها و بر مبنای اصل و قاعده‌ی دول کامله‌ الوداد اتباع کشورهای استعمارگر غربی و دارای مراد و نفوذ نیز مشمول همان معیار تعیین شده‌ی حقوقی روس‌ها در امور مدنی و جزائی ایران شدند.<sup>۵</sup> با عطف به قواعد وضع شده و تحمیلی استعمارگران و ضعف مفرط حاکمیت استبدادی قاجار زیان‌ها و صدمات جبران‌ناپذیری بر هویت ملی، جامعه و مردم ایران وارد گردید. در ادامه‌ی نوشتار جداگانه به پاره‌ای از کارکردها و اقدام‌های کارگزاران و پایگاه‌های استعماری و برخی افراد و جریان‌های فرصت‌طلب داخلی اشاره می‌نماییم.

### الف- اقدام‌های فرصت‌طلبانه‌ی کارگزاران استعمار

کارگزاران استعمار و پایگاه‌های آنان در سنگر و پناه کاپیتولاسیون با اغتنام فرصت و موقعیت در عرصه‌های مختلف نهایت استفاده را در راستای مطامع خود تحصیل کردند. پاره‌ی از کارکردهای منعکس شده‌ی آنان در منابع و ماخذ به شرح زیر است.

۱- به بهانه‌ی نابه‌جای حمایت از اتباع خود استقلال قضایی کشور را به‌طور کامل نادیده انگاشته و انواع دخالت‌ها را مجاز پنداشتند. نتیجه‌ی محسوس و ملموس این سیاست ایجاد هرج و مرج، آشفتگی و عدم توسعه‌ی قضایی در کشور بود. به تعبیر مرحوم محیط طباطبایی «... این آشفتگی وضع قضایی در مدت یک‌صدسال بزرگ‌ترین سد راه تحول اوضاع حقوقی و اصلاح قوانین کشوری بود؛ چون دنباله‌ی هر اصلاح لازمی ناگزیر خط مسیر حرکت فکری به مصالح بیگانه‌ای بر می‌خورد، و پیش‌بینی حدود و تأمین آن به‌شکلی که با مصالح ملی و بهبود وضع داخلی و تأمین منافع خارجی هم سازگار باشد میسر نبود».<sup>۶</sup>

۲- دارندگان حق قضاوت کنسولی بخش عمده‌ی محاکمات را منطبق بر امیال، مصالح و منافع کشور، اتباع و مزدوران خود فیصله می‌دادند. به‌عنوان مثال: «کنسول‌های روسیه‌ی تجاری به‌موجب حقوقی که به‌دست آورده بودند، نه‌تنها در موارد خاص خود حق قضاوت را در یک مملکت به‌ظاهر مستقل غصب کرده بودند، بلکه در مواردی هم که فقط اشاره به لزوم حضور آنان در محاکمات شده بود، برخلاف مواد عهدنامه عملاً از حدود خود تجاوز می‌کردند؛ و با ایجاد نوعی حق و تو در اخذ تصمیم و تصویب و نیز در اجرای حکم، طبیعت و نتیجه‌ی احکام قضایی را مطابق مصالح و امیال خود تغییر می‌دادند...»<sup>۷</sup> محقق دیگری در همین راستا می‌نویسد: «سعی بر این بود که [در محاکم] قوانین و آیین دادرسی هر دو کشور رعایت گردد؛ ولی به‌علت ضعف و حقارت غالب کارگزاران [نمایندگان وزارت خارجه‌ی ایران] و نبود قانونی منظم و مدون از طرف مراجع ایرانی، در اکثر موارد کنسول‌های خارجی [به‌لحاظ اقتدار و پشتوانه‌ی خارجی] تصمیم نهایی را می‌گرفتند».<sup>۸</sup>

۳- ترور، قتل و یا اصرار بر عزل مخالفان سیاسی از دیگر اقدام‌ها بود. مصداق بارز و آشکار در این مورد فرمان ترور و قتل یکی از رجال و مقامات بلند پایه‌ی حکومتی ایران (صنیع‌الدوله) بود که پیش از این به‌چه‌گونگی آن اشاره کردیم. ادوارد براون درباره‌ی ترور شخص یاد شده و پی‌آمدهای آن چنین توضیح می‌دهد:

«وزیر مالیه‌ی ایران (صنیع‌الدوله) به‌دست دو تن گرجی از اتباع روسیه ترور شد. آن‌ها در موقع تعقیب چهار پاسبان دیگر را هم مجروح کردند؛ تا این‌که دستگیر و جهت محاکمه به اداره‌ی محاکمات وزارت خارجه فرستاده و محکوم به‌اعدام شدند. ولی سفارت روس تحت این عنوان که تبعه‌ی روسیه هستند و به‌موجب مقررات کاپیتولاسیون می‌باید در روسیه مجازات شوند آن‌ها را تحویل گرفته و به روسیه اعزام کرد. تنها کاری که وزیر خارجه‌ی ایران توانست انجام دهد این بود که به‌همراه قاتلان یک نامه‌ی اعتراض‌آمیز به سفارت روسیه بفرستد».<sup>۹</sup>

۴- عمال استعمار و کسانی که مسئولیت قضاوت کنسولی را در ایران بر عهده داشتند، به‌طور عمده مأمورین درجه سوم و از تجار و مستخدمانی بودند که تعلیم و تربیت قضایی خاص و آشنایی کافی به علم قضا را نداشتند.<sup>۱۰</sup> لذا زور، سلطه، قدرت اجرا و حفظ منافع از

عوامل مهم مبنای صدور رأی و تصمیمات قضایی آنان محسوب می‌گردید.

۵- جسارت و گستاخی اتباع خارجی- بویژه روس‌ها- در آزار و اذیت مردم و بی‌اعتنایی کامل به نظارت و دخالت مسئولان امنیتی و انتظامی از موارد دیگر بود. چنان‌چه برخی حکام و یا صدراعظم‌ها- همانند امیرکبیر- نسبت به تنبیه و مجازات متخلفان و متجاوزین به حقوق عمومی اقدام می‌کردند مورد اعتراض شدید سفارت‌خانه یا کنسول‌گری‌هایی که تنبیه شونده در زمره‌ی اتباع آن‌ها بود قرار می‌گرفتند. به‌عنوان مثال فردی ارمنی از گماشتگان و عمله‌ی کنسول‌گری روس در تبریز در حال مستی به روی سرگرمه‌ی شهر تبریز قمه کشید؛ حاکم آذربایجان بی‌درنگ او را تنبیه کرد. کنسول روس با اشاره به عهدنامه‌ی ترکمنچای، و کنسول انگلیس به ادعای سرپرستی ارامنه‌ی ایران به مجازات شخص یاد شده اعتراض کردند.<sup>۱۱</sup>

۶- تشکیل گارد مسلح و محافظ توسط سفارت‌خانه‌ها و کنسول‌گری‌های کشورهای استعمارگر- از جمله روس و انگلیس- از میان اتباع و هم‌وطنان خود، کثرت روزافزون آن‌ها، بی‌اعتنایی کامل به نیروهای مسلح ایرانی و وظیفه‌ی آن‌ها در ایجاد امنیت از اقدام‌های قابل بحث دیگر است. به‌عنوان نمونه روس‌ها به‌ظاهر برای محافظت از مقامات، سفارت‌خانه و کنسول‌گری‌ها سالدات‌ها (سربازهای مسلح)، و انگلیسیان نیروهای مسلح هندی در اختیار داشتند. مقامات کشورهای یاد شده هنگام حضور در مجامع عمومی جهت ایجاد ارباب، اظهار اقتدار، هیمنه و مانور قریب سی تا چهل نفر مسلح و ملبس به اونیفورم را با خود به‌همراه می‌بردند.<sup>۱۲</sup>

## ب- اقدام‌های فرصت‌طلبان و مجرمان داخلی

گرچه عدم یک سیستم و تشکیلات قضایی قانونمند و عادلانه، استبداد و خودسری حکومتگران، ضعف و حقارت حکومت و مجریان در اعمال قدرت، نبود امنیت جانی و مالی از عوامل تمایل برخی دادخواهان و یا خائفین از مجازات‌ها و مصادرهای ناعادلانه به دریافت تابعیت و درآمدن تحت بیرق سفارت‌خانه‌ها و کنسول‌گری‌های کشورهای استعماری بود؛ لیکن در بسیاری موارد مجرمان، متخلفان، جاه‌طلبان و سیاستگران فرصت‌طلب، اخلال گران و فراریان از پرداخت مالیات از جایگاه مقامات استعماری و پایگاه‌های آن‌ها در جهت حفظ موقعیت، بیمه و مصون نگه‌داشتن خود استفاده می‌کردند. در ادامه‌ی بحث به‌موارد و مصداق‌هایی از آن‌ها به شرح زیر اشاره می‌شود:

۱. بسیاری از کارگزاران حکومتی ایران جهت معافیت و مصون ماندن از مجازات رایج و معمول- چوب و فلک- توسط مقامات بالاتر، به انحاء مختلف درصد دریافت نشان افتخار از یکی از کشورهای صاحب نفوذ خارجی برمی‌آمدند. به‌عنوان مثال کسانی که دارای نشان افتخار لژیون دونر فرانسه بودند از مجازات ذکر شده مصونیت پیدا می‌کردند.<sup>۱۳</sup>

۲- متجاوزین به حقوق عمومی و مردم جهت رهایی از دست شاکیان، دادخواهان و مجازات‌های صادره.<sup>۱۴</sup>

۳- مستخدمین و عملی ایرانی سفارت خانه‌های خارجی و حتا منسوبین آن‌ها در صورت آزار و اذیاء مردم خود را از مجازات میرا می‌دانستند؛ و معمولاً مأموران امنیتی نیز نسبت به تخلفات روزمره آن‌ها به دیده‌ی اغماض می‌نگریستند.<sup>۱۵</sup>

۴- دریافت ورقه‌ی تابعیت اجنبی از سوی برخی تجار، زمین‌داران و ثروتمندان به منظور بیمه کردن دارایی و املاک از موارد دیگر بود. تا آن‌جا که حتا داماد فتحعلی‌شاه (حاجی میرزا عبدالکریم) با وجود اقامت چهل ساله در ایران و دارا بودن اموال غیر منقول خود را تحت تابعیت دولت انگلیس قرار داد.<sup>۱۶</sup> کسروی پیرامون سوء استفاده برخی ایرانیان از عنوان تابعیت دولت روس می‌نویسد:

«... کسانی از بستگان ایران را نیز که به آنان [روسیان] می‌گراییدند و درخواست پشتیبانی و نگاه‌داری می‌کردند، زیر نگاه‌داری (تحت‌الحمایه) می‌گرفتند، و مالیات ایشان را هم کنسول خانه می‌ستد. اینان خود را به کنسول خانه می‌بستند و زورمند می‌شدند و به همسایگان و دیگران چیرگی می‌نمودند و از ستم‌گری باز نمی‌ایستادند، و به پشت‌گرمی دشمنان همشهریان خود را لگدمال می‌کردند... یک دسته پست نهاد به همین دستاویز [تحت‌تابعیت] چه چیرگی می‌نموده‌اند و چه‌گونه گردن می‌کشیده‌اند و چه‌گونه درفش روس را بالای خانه خود می‌افراشته‌اند، و چه‌گونه به کلمه‌ی زشت اف در آخر نام خود می‌بالیده‌اند...»<sup>۱۸</sup>

۵- علاوه بر تجار و مالکان عمده صاحبان برخی مشاغل دیگر نیز جهت سوء استفاده از قدرت اجنبی، بهره‌کشی از مردم و مصونیت از مجازات ورقه‌ی تابعیت دریافت می‌کردند. یکی از افراد شاخص و شاهد مثال‌های معروف در این مورد عسگر گاریچی‌ست که در زمان ناصرالدین شاه مقاطع کاری حمل مسافر بین تهران و قم را برعهده گرفته بود. او با پشت‌گرمی تابعیت اجنبی نهایت گستاخی و آزار را نسبت به مسافرین روا می‌داشت؛ تا آن‌جا که دستور داده بود پای اسبان درشکه‌های شخصی مردم را با میخ‌های آهنین شل و فلج نمایند؛ و یا خودسرانه و بی‌اعتنا به مسئولان شهر و حکومت از قنات شاه تهران به خانه و منزل مسکونی خود آب برد. ستم و گستاخی او بدان‌جا انجامید که در آغاز جنبش و حرکت مشروطه‌خواهی یکی از خواست‌های مردم در کنار تحصیل آزادی، تجدید استبداد و ایجاد عدالت‌خانه عزل عسگر گاریچی از مقاطع کاری بین راه قم و تهران بود.<sup>۱۸</sup> ■

## نتیجه

تحلیل کاپیتولاسیون در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و قضایی نتایج زیان‌باری برای جامعه‌ی ایرانی در پی داشت. از آن میان پی‌آمدهای منفی قضایی را می‌توان در خور تأمل و اهمیت ویژه قلمداد کرد. کارگزاران استعماری به شویه‌های گوناگون همانند جهت‌دهی زورمدارانه محاکمات مطابق مصالح و منافع اتباع خود، بی‌توجهی کامل به قوانین و قواعد عرفی و شرعی جاری و درون مملکتی، آزار، اذیت و ایجاد ارباب در میان شهروندان ایرانی، حذف مخالفان به انحاء مختلف و در مجموع نقض

حاکمیت و استقلال قضایی، سالیان موجبات آشفتگی و عدم توسعه‌ی قضایی را در ایران فراهم ساختند. فرصت‌طلبان و مجرمان داخلی نیز با نظر داشت ضعف و حقارت حاکمیت، جایگاه قدرتمند اجانب و به منظور مصون ماندن از هر گونه مخاطره‌ی جانی مالی و نیز مصونیت از مجازات جرم‌های ارتكابی خود را تحت الحمایه‌ی دارندگان حق قضاوت کنسولی قرار داده و به‌سهم خود بر این آشفتگی و فضای تحقیرآمیز و ایجاد شده دامن زدند.

## پی‌نوشت‌ها

- ۱- برای مطالعه‌ی تاریخچه‌ی کامل و جامع کاپیتولاسیون ر. ک. سیدحسن امین، «کاپیتولاسیون از آغاز تا سقوط پهلوی»، ماهنامه‌ی حافظ، شماره‌ی ۳، (خرداد ۱۳۸۳)، صص ۳۶ و ۴۶. احمد متین‌دفتری، «تازه‌های قضایی و دادگستری»، مجله‌ی حقوقی وزارت دادگستری، شماره ۳، (۱۳۳۸ خورشیدی)، ص ۶۷.
  - ۲- میرزا محمد تقی سپهر، ناسخ‌التواریخ (تاریخ قاجاریه)، ج ۲، تصحیح محمدباقر بهبودی، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة، تهران، ۱۱.
  - ۳- همان‌جا، ص ۱۱.
  - ۴- مخبرالسلطنه هدایت، خاطرات و خطرات، کتاب‌فروشی زوار، (تهران، ۱۳۶۳ خورشیدی)، صص ۲۸۸-۲۸۷.
  - ۵- میرزا محمد تقی سپهر، همان‌جا، ج ۴، ص ۱۱۷. و نیز ر. ک به: محمد جعفر خورموجی، حقایق الاخبار ناصری، نشرنی، (تهران، ۱۳۶۳ خورشیدی)، ص ۱۵۱-۱۵۲.
  - ۶- محمد محیط طباطبایی، دادگستری در ایران از انقراض ساسانی تا ابتدای مشروطیت، ضمیمه‌ی مجله‌ی وحید، تهران، (۱۳۴۷ خورشیدی)، ص ۴۷.
  - ۷- ایرج سعیدوزیری، بررسی تحلیلی کاپیتولاسیون و الغای آن در ایران، دفتر حقوقی و وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۵۵ خورشیدی، ص ۱۷-۱۶، کاپیتولاسیون، تهران وزارت دادگستری، شماره‌ی مخصوص هفته‌ی دادگستری، (اردیبهشت ۱۳۵۵ خورشیدی)، ص ۱۶.
  - ۸- فرج‌الله ناصری، بررسی تحلیلی کاپیتولاسیون و الغای آن، تهران، وزارت دادگستری، شماره‌ی مخصوص هفته‌ی دادگستری، (اردیبهشت ۱۳۵۵ خورشیدی)، ص ۱۶.
  - ۹- ادوارد براون، نامه‌هایی از تبریز، ترجمه‌ی حسن داودی، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، (تهران، ۱۳۶۱ خورشیدی)، ص ۵۲.
  - ۱۰- محمود افشار یزدی، «مسئله‌ی کاپیتولاسیون»، مجله‌ی آینده، شماره‌ی ۱۵، (تیرماه ۱۳۰۶ خورشیدی)، ص ۲۱۷-۲۱۶.
  - ۱۱- فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، (تهران، ۱۳۶۱ خورشیدی)، ص ۵۴۳-۵۴۲.
  - ۱۲- عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۲، انتشارات زوار، (تهران، ۱۳۳۷ خورشیدی)، ص ۲۸-۲۷.
  - ۱۳- ر. ک به: احمد کسروی، تاریخ هجده ساله‌ی آذربایجان، انتشارات مجید، (تهران، ۱۳۷۹ خورشیدی)، ص ۵۱۸، هانری رنه دالمانی، از خراسان تا بختیاری، ترجمه‌ی فرهوشی، به سرمایه‌ی کتاب‌فروشی ابن‌سینا و مؤسسه‌ی مطبوعاتی امیرکبیر، (تهران، ۱۳۵۵ خورشیدی)، ص ۲۷.
  - ۱۴- فصلنامه‌ی ایران، چاپ لندن، شماره‌ی ۹، (۱۳۷۹ خورشیدی)، ص ۸.
  - ۱۵- میرزا مهدی‌خان ممتحن‌الدوله، خاطرات، به کوشش حسین‌علی خان‌شقاقتی، نشر فرهنگ تهران ۱۳۶۲ خورشیدی، ص ۲۲۴-۲۲۳.
  - ۱۶- عبدالله مستوفی، همان‌جا، ص ۳۱۱.
  - ۱۷- احمد کسروی، همان‌جا، صص ۵۱۸-۵۱۷.
  - ۱۸- ر. ک به: احمد کسروی، تاریخ مشروطه‌ی ایران، ج ۱، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، (تهران، ۱۳۶۳ خورشیدی)، ص ۶۷.
- مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، کتاب دوم، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۱ خورشیدی، ص، یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۲، انتشارات عطار، (تهران، ۱۳۷۱)، ص ۷.